

احكام سجدهى سهو

ترجمهى «رسالة فى سجود السهو»

تاليف:

شيخ علامه فقيه محمد بن صالح العثيمين
رحمه الله تعالى

ترجمه:

محمد عبد اللطيف

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	۵
مقدمه‌ی مترجم.....	۵
احکام سجده‌ی سهو.....	۱۳
سجده‌ی سهو:.....	۱۳
زیاده:.....	۱۳
سلام دادن قبل از اتمام نماز:.....	۱۴
نقص:.....	۱۶
۱- نقص در ارکان نماز:.....	۱۶
۲- نقص در واجبات نماز:.....	۱۷
۳- نقص در سنتهای نماز:.....	۱۹
شک:.....	۱۹
شک در نماز خارج از دو حالت نیست:.....	۲۰
و از جمله مثالهای دیگر شک در نماز:.....	۲۱
سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف ماموم:.....	۲۳
و سجده‌ی سهو بعد از سلام در دو حالت لازم می‌شود:.....	۲۶
اضافات.....	۲۸
خلاصه‌ی احکام سجده‌ی سهو:.....	۲۸
جدول زیر مختصری از احکام سجده‌ی سهو است:.....	۳۱
سوال: حکم متابعت امام در رکعت اضافی؟.....	۳۴
سوال: مسبوق فراموش می‌کند که با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند بلکه با او سلام می‌دهد، آیا بعد از آنکه بیاد آورد و نمازش را کامل نمود لازم است سجده‌ی سهو ببرد؟.....	۳۵

- سوال: مردی مسافر است و نماز خود را قصر می‌خواند اما بعد از آنکه دو رکعت خواند فراموش می‌کند و برای رکعت سوم بلند می‌شود، آیا بر او لازم است که بلافاصله بازگردد و سلام دهد یا اینکه نماز خود را کامل چهار رکعت بخواند؟ ۳۷
- سوال: حکم سجده‌ی سهو چیست؟ ۳۷
- سوال: ارکان و واجبات و سنتهای نماز کدامند؟ ۳۹
- سوال: حکم انجام ندادن سجده‌ی سهو واجب چیست؟ ۴۴
- سوال: آیا سجده‌ی سهو در نماز سنت بمانند نماز فرض است؟ ۴۵
- سوال: محل سجده‌ی سهو کجاست؟ ۴۶
- سوال: اذکار سجده‌ی سهو و جلوس بین آنها چیست؟ ۴۷
- سخن آخر:** ۴۹
- منابع دیگری که جهت تکمیل این رساله ترجمه و بکار برده شده‌اند: ۵۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی مترجم

إن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وسلم تسليماً كثيراً، ... اما بعد،

کتابچه‌ای که پیش رو دارید ترجمه فارسی «رسالة في سجود السهو» نوشته‌ی؛ شیخ علامه محمد بن صالح العثيمين رحمه الله تعالى - از بزرگترین فقهای معاصر - می‌باشد. البته علاوه بر ترجمه‌ی رساله‌ی ایشان، برای آنکه مطالب مربوط به مسئله‌ی سجده‌ی سهو در نماز را برای خوانندگان گرامی کاملتر آورده باشیم اضافاتی را در انتهای این کتاب به اصل ترجمه‌ی رساله ملحق نمودیم، که این اضافات نیز تماماً از منابع معتبر فقهی از جمله دیگر آثار مولف می‌باشند. همچنین در انتهای ترجمه رساله‌ی مولف، آنرا به صورت اختصار درآوردیم تا مطالب آن دسته بندی شده و باعث شود ماندگاری مطالب آن در ذهن آسانتر گردند. یادآور می‌شویم که تمامی پاورقیهای این کتاب متعلق به مترجم می‌باشد، زیرا گاهی احساس می‌شد تا جهت گویا تر کردن مطلب توضیحاتی ارائه شود و یا نیاز بود تا احادیثی را که مطلب را توجیه می‌کند ذکر شود.

اما از جمله ویژگیهای مثبت این رساله و کتابچه اینست که قصد یاری هیچکدام از مذاهب فقهی را نداشته، بلکه در پی نصرت مدلول کتاب و سنت بر مذهب و تعصب مذهبی است. عبارتی مطالب این رساله بدون تعصب نسبت به مذهب خاصی از مذاهب رایج، و با استناد به کتاب و سنت صحیح نبوی قصد دارد تا رای صواب را بیابد. والحمدلله این مطالب بهانه‌ای شد تا چند سطور را در ارتباط با لزوم پیروی از کتاب و سنت صحیح بجای امر نامطلوب تعصب مذهبی و تقلید مذموم، بیان کنیم:

جای بحث و تأمل دارد که آیا اتباع و پیروی هوشمندانه از پیشینیان و امامان فقهی بهتر است یا تقلید کورکورانه؟ و آیا پیروی از آنان بدین معنا است که گفته‌هایشان را هم‌سان گفته‌های خدا و رسول صلی الله علیه وسلم، بی‌چون و چرا بپذیریم؟ اندکی توجه و انصاف

در اصول و عملکرد ائمه، نشان می‌دهد که پیرو راستین، کسی است که همانند آنان، فرموده‌ی خدا و رسول صلی الله علیه وسلم را بر گفته‌ی دیگران برتر بداند و به خاطر عنوان و قالب مکتبی خاص، دانسته و ندانسته به ستیز با حدیث و سنت صحیح برنخیزد.

"بی‌گمان تعصب مذهبی، از بزرگ‌ترین بیماری‌هایی است که پدیدار گشته و همواره فراروی این امت قرار گرفته و بر جنبه‌ها و سطوح مختلف، اثر گذاشته است. تعصب و سرسختی بی‌جا و پیامدهای آن در سطحی می‌باشد که بر واقعیت و برآیند این امت در دو جنبه‌ی مهم و اساسی، اثر نهاده است:

(جنبه‌ی نخست): کنار گذاردن پژوهش‌های قرآنی و مطالعات سنت‌شناسی و

بستن باب اجتهاد:

تعصب مذهبی (و پافشاری نابجا بر حصار مذهب، بدون نظر داشت داده‌های کتاب و سنت) باعث شکل‌گیری گونه‌های مختلفی از قیود و بندها شده که هیچ دلیلی بر درستی آنها از سوی خدای متعال نازل نشده است. از مهم‌ترین و بارزترین این قیده‌های بی‌اساس می‌توان اشاره کرد به این گفته که: (دین، همان مذهب است و هیچ تفاوتی، میان دین و مذهب وجود ندارد.) نتیجه‌ی چنین پنداری، این شده که می‌گویند: (خروج از مذهب، درست و روا نیست!) از همین پندار (خام و نادرست) فتواها و اصول سخت و نادرستی، پدید آمده که کار شومش را در تخریب اندیشه‌ها و روان توده‌ی امت اسلامی در جاهایی که این بیماری، گسترش یافته، عملی ساخته است. چنانچه هر آن کس که از مذهبی جدا شود و مذهب دیگری برگزیند، مورد سرزنش قرار می‌گیرد. علاوه بر این، عزت نفس و توان علمی افراد زیر سؤال می‌رود که فلانی، کیست و چیست که دنبال دلیل می‌گردد و کتاب و سنت را بررسی می‌کند؟!!!

تردیدی نیست که این تعصب‌ها و پندارها، تقلید بسته و کورکورانه در تمام سطوح را به دنبال دارد و سبب عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت می‌گردد و همچنین باعث بریدگی و دوری امت از پیوند با وحی مبارک و خجسته‌ای می‌شود که به عنوان کتاب و سنت، اصل و

مایه‌ی تمام خوبی‌ها است و منبع فقه و (قرائت‌های مذهبی) و اساس و پایه‌ی همه‌ی فضایل می‌باشد.

(جنبه‌ی دوم): از میان رفتن وحدت و یکپارچه‌گی اسلامی: کشمکش، درگیری و کینه‌ورزی، مهم‌ترین مشخصه‌های جوامعی است که اشاره کردیم [و در آن فضای بسته‌ی تقلید و تعصب بر یک مذهب و منحصر دانستن دین در چهار فقه مشهور، حاکم می‌باشد].

چنین کینه‌ورزی و اختلافی، از بین‌برنده‌ی دوستی و اخوتی است که خدای متعال، بر مسلمانان فرض کرده است. شکی نیست که کشمکش و اختلاف مسلمانان با هم، از خطرناک‌ترین مسایلی می‌باشد که بنیان این امت را که مانند تنی یک‌پارچه است، نابود و ریزریز می‌کند و تن و توان واحدش را از هم می‌پاشد. مرض اختلاف و کینه‌ورزی، مایه‌ی سرور و شادمانی شیطان و همان هدفی است که دشمنان خدا، دنبال می‌کنند تا از طریق پراکندن و پاره‌پاره کردن امت، کارش را راحت‌تر بسازند و بر آن چیره شوند.

از مهم‌ترین مظاهر و نشانه‌های اختلاف و نابودی وحدت و یک‌پارچگی امت، می‌توان به طرح پرسش‌هایی این‌چنینی اشاره کرد که: (آیا نماز خواندن فردی شافعی مذهب، پشت سر امامی حنفی، جایز است و بر عکس؟!)) یا (نماز شافعی مذهب، پشت سر حنفی مذهب و نماز حنفی مذهب به امامت شخصی شافعی مذهب، صحیح است یا باطل؟!).. (آیا فردی حنفی میتواند همسری شافعی بگیرد و یا شخصی شافعی مذهب، با زنی حنفی ازدواج کند؟!)..

خدای متعال، همواره برای حفظ و ماندگاری دینش، کسانی را به وجود آورده که به اصلاح امور دینی امت پردازند و دین را از تحریف گزاف کاران و دست‌برد باطل‌گرایان و خفت‌گری یاوه‌کاران، مصون بدارند. این کار از علمای صحابه رضی الله عنهم آغاز شد و با منهج سلف صالح، حمایت شده و تداوم یافت. روش سلف صالح تأکید بر اصول و ضوابطی

از این قبیل بود که: (سخن هر کسی را می‌توان قبول و یا رد کرد؛ جز سخن معصوم که باید بی‌چون و چرا پذیرفته شود).. (هرگاه حدیثی، صحیح باشد، مذهب من همان است.)^{۱۱}

"لذا تبعیت از کتاب (قرآن) و سنت (احادیث) باید هدف اساسی برای هر فرد مسلمانی بوده و راهی باشد که از آن مسیر حرکت می‌کند، ولی مردم، در رابطه با مقدار ظرفیت فهم و شناخت، درجات مختلفی دارند:

۱- گروه اول کسانی هستند که معانی قرآن کریم و احادیث شریف را نمی‌دانند و نمی‌توانند از طریق آن دو معانی و مفاهیم قرآنی و احادیث را استنباط کنند، و نمی‌توانند آنچه را که آندو (قرآن و حدیث) از او می‌خواهند، بشناسند. بر این گروه واجب است که از هر عالمی که به کتاب و سنت آگاه است و در ارتباط با دین و علم مورد اعتماد و اطمینان آنان است سوال کنند.

۲- بعضی دیگر از مردم، شامل افرادی عالم، آگاه و هوشیاری هستند که معانی آیات و احادیث را می‌دانند، و به احکام و قوانین و قواعدی که از قرآن و احادیث استنباط می‌شود، پی می‌برند، و می‌دانند در بین آیات و احادیثی که ظاهراً با هم اختلاف دارند هماهنگی، تلفیق و ارتباط، ایجاد کنند و بر زبان عربی و شیوه و روش آن، وافق و آگاه اند. و بر گروه دوم واجب است که در ارتباط با شناخت آنچه که کتاب و سنت بر آن دلالت می‌کند، تلاش کرده و از آنها تبعیت و پیروی نمایند، و حتی مردم را نیز به آگاهی از کتاب و سنت و تبعیت از آن دو راهنمایی و ارشاد نماید.

۳- گروه سوم، کسانی هستند که حد وسط بین گروه اول و گروه دوم هستند یعنی جاهل و ناآگاه نیستند تا حدی که احکام را درک نکنند، و نتوانند آنچه را که قرآن و احادیث بر آنها دلالت دارد، بفهمند بلکه دارای علم و آگاهی، عقلی متفکر بوده، ولی به درجه عالم

۱- مختصری از مقدمه‌ی فارسی کتاب "الإنصاف فی بیان أسباب الاختلاف" نوشته‌ی علامه شاه ولی‌الله دهلوی (رحمه الله) بود که توسط "محمد صبحی حسن حلاق عامر حسین" در تحقیقی بر آن کتاب نگاشته اند.

فقیه، متخصص در فقه، اهل تحقیق و تتبع، باریک بین و بصیر و آگاه به آنچه که کتاب (قرآن) و سنت (احادیث) بر آنها دلالت دارد، نرسیده است. و بر گروه سوم واجب است که از دلایل شرعی و گفته های علماء، اطلاع و آگاهی پیدا کرده و از آنها تبعیت کنند و رای صواب را بدست بگیرند نه اینکه خود را ملزم به تقلید از فقیهی کنند.

درجات و مراتب اصلی مردم بدینصورت است که مشخص شد، هر چند هر کدام از آنان خود دارای مراتب و درجاتی متفاوتی می باشند.

گروه اول از مردم، علماء آنان را عوام نام نهاده اند. و نوع دوم را اصطلاحاً مجتهد می نامند. و نوع سوم را متبعین (کسانی که تبعیت می کند) می نامند.

هر کس که استعداد و توانایی اجتهاد داشته باشد، تقلید و اتباع از غیر، مگر در حالت ضرورت، برای او جایز نیست، و هر کس توانایی و استعداد اتباع (تبعیت) را داشته باشد، تقلید و اجتهاد برای او جایز نیست همانطوریکه اگر کسی توانایی و قدرت اجتهاد و تبعیت را نداشته باشد، سوال کردن از اهل علم بر او واجب است. دلیل این گفته ها آن است که؛ اصل و اساس در هر چیزی، تبعیت از کتاب (قرآن) و سنت است برای هر کسی که توانایی و استعداد حرکت در این مسیر را داشته باشد. همانطور که خداوند سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا

تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ [الأعراف/٣]

[از چیزی پیروی کنید که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده است و جز خدا از اولیا و سرپرستان دیگری پیروی نکنید و (فرمان نپذیرید)...]

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر/٧]

[چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است، اجرا کنید و از چیزهایی

که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید...]

و اگر مسلمان توانایی و استعداد درک و فهم از کتاب و سنت و استنباط احکام از این دو منبع را نداشته باشد به درجه اتباع نزول پیدا می‌کند و اگر توانایی و استعداد اتباع را هم نداشته باشد به درجه دیگری نزول پیدا می‌کند که باید از اهل علم و کسانی که دارای تقوا هستند سوال پرسد. چنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل/۴۳]

«پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر سؤال کنید».

اقرار امامان اربعه به ترک گفته‌های آنان اگر مخالف با کتاب (قرآن) و سنت (احادیث) باشد:

۱- امام ابوحنیفه - رحمه الله - می‌فرماید:

«هرگاه چیزی گفته باشم که مخالف با کتاب الله و خبر رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد گفته من را کنار بگذارید»^۱.

۲- امام مالک (رحمه الله) می‌فرماید:

«همانا من انسان هستم هم دچار اشتباه می‌شوم هم حق می‌گویم لذا در مورد رأی و نظر من فکر کنید. هر آنچه را که موافق با کتاب و سنت است بگیرید و آنچه را که مخالف با کتاب و سنت است ترک کرده و کنار بگذارید»

۳- امام شافعی (رحمه الله) می‌گوید:

«هرگاه صحت حدیثی ثابت شد آن حدیث صحیح مذهب من است»^۲.

۴- امام احمد - رحمه الله - می‌فرماید:

«از من و از امام مالک و امام شافعی و امام اوزاعی و الثوری تقلید نکنید و از چیزی پیروی کنید و احکام و دستورات خود را از جایی بگیرید که آنان بدست آورده اند»

۳- صفة صلاة النبي ﷺ، ص ۲۷ و ۲۸.

۴- صفة صلاة النبي ﷺ، ص ۳۰.

ای برادر، اینها اقوال و گفته های واضح امامان بخصوص امامان اربعه - رضوان الله عليهم - هستند و همگی آنها یک چیز را ثابت می کنند و آن تمسک جستن به کتاب و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و ترک آنچه را که مخالف با این دو اصل می باشد، و نهی از تقلید آنان بدون علم و آگاهی برای کسی که می تواند دلایل احکامات و اجتهادات آنان را بشناسد یا بداند".^۱

خلاصه اینکه اگر کسی خود را منتسب به سنت نبوی می داند، خود را بر راه پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار داده است و راه پیامبر همان اسلام است و اسلام ما را ملزم به هیچکس جز الله و رسول صلی الله علیه وسلم نکرده است، ولی منتسب کردن خود به یکی از صحابه یا اهل بیت یا یکی از اهل علم صحیح نیست، زیرا آنها معصوم نیستند و وحی خداوند بر آنها نازل نمی گشته و ممکن است گاهی به خطا روند و در هیچ جای قرآن به انسانها امر نشده است که تابع کسی جز خدا و رسولش باشند؛

چنانکه الله تعالی به ما امر می کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهٗ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

[النساء: ۵۹]



«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.»

۲- برگرفته از متن کتاب "بدعة التعصب المذهبي وآثارها الخطيرة في جمود الفكر وانحطاط المسلمين"

تالیف؛ شیخ محمد عید بن جاد الله العباسی - حفظه الله است.

اگر در این آیه مبارکه دقت کنیم متوجه خواهیم شد که کلمه ﴿أَطِيعُوا﴾ (یعنی: اطاعت کنید) فقط برای الله و رسولش استفاده شده است ولی برای ﴿أُولَى الْأَمْرِ﴾ بکاربرده نشده! یعنی فرموده: "أَطِيعُوا أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ"، و لذا علما فرموده اند این بدان سبب است که ممکن است علما یا حاکمان در اقوال یا اوامر خود خطا کنند و بر همین اساس اطاعت از آنها (یعنی حاکمان و علما) همیشه واجب نیست مگر زمانی که اقوال خود را به الله و رسول مستند نمایند و اگر اقوال خود را به الله و رسولش ربط دهند، اینبار امر آنها واجب الاطاعه خواهد شد.

و مراد از اهل سنت و جماعت نیز چیزی جز تمسک به این آیه نیست و لذا تمامی انسانها موظفند اسلام بیاورند و بر راه و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گیرند و بگویند ما مسلمانیم تابع کتاب و سنت نبوی ولاغیر!

پس تقلید از مذهبی معین، برای علما و مجتهدین جایز نیست. و همچنین بر کسانی که طالب علم شرعی هستند؛ بگونه ای که دسترسی به کتب فقها داشته و توانایی مطالعه متون فقهی و شرعی و سبک سنگین کردن اقوال آنها را دارند، جایز نبوده که از کسی تقلید کنند. و فقط افرادی که چنین توانایی ندارند و از علم شرعی برخوردار نیستند باید از اهل علم، آنکسانی که ملتزم به کتاب و سنت هستند سوال کنند.

خدای متعال، همه‌ی ما را از غرض ورزی و کینه‌توزی مصون بدارد و بر زبان و قلم ما، سخنانی جاری بفرماید که روشن‌گر راه سعادت باشد و در آخرت، دست‌گیرمان شود. و از الله تعالی خواستاریم که این کتاب را راهنمایی برای طالبان حقیقت قرار فرماید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

احکام سجدهی سهو

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد الذي بلغ البلاغ المبين، وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

متأسفانه اكثر مردم نسبت به بسیاری از احکام سجدهی سهو در نماز ناآگاهند، بعضی از آنها در جایی که می بایست سجدهی سهو ببرند آنرا انجام نمی دهند و بعضی دیگر در جایی که نیاز نیست سجده می برند، بعضی سجدهی سهو را قبل از سلام انجام می دهند در حالیکه محل سجده بعد از سلام بوده و بلعکس برخی بعد از سلام سجده می برند در حالیکه محل آن قبل از سلام است، بنابراین شناخت احکام سجدهی سهو بسیار مهم است خصوصاً برای امامانی که مردم به آنها اقتدا کرده و در اتباع مشروع در نمازهای خود از آنها تقلید می کنند، پس دوست دارم تا برخی از احکام این باب را به برادرانم تقدیم کنم و از الله تعالی خواستارم تا آنها مایه ی انتفاع بندگان مومن خود قرار دهد. و با استعانت از الله تعالی آغاز می کنم و از او توفیق و صواب خواستارم.

سجدهی سهو:

عبارتست از دو سجده که نماز گزار جهت جبران خللی که در نمازش وارد شده و بدلیل سهو رخ داده شده در نماز، آنرا بجای می آورد. و اسباب آن سه مورد هستند: زیاده، نقص، و شک.

زیاده:

هرگاه نماز گزار در نماز خویش رکعت یا رکوع یا سجده ای را عمدا اضافه کند، نمازش باطل است. اما اگر عمدی نبوده بلکه از روی فراموش بود و تا پس از فارغ شدن از آن به انجام عمل اضافی آگاه نشد، در آنصورت کافیت تا دو سجدهی سهو بجای آورده و نمازش صحیح خواهد بود، اما اگر در اثناء انجام عمل متوجه شد که آنرا اضافی انجام می دهد بایستی از انجام آن عمل منصرف و بدان ادامه ندهد و در پایان نماز (بعد از سلام) دو سجدهی سهو ببرد و نمازش صحیح است.

مثلاً شخصی را در نظر بگیرید که نماز ظهر را پنج رکعت می‌خواند و او به این رکعت اضافی آگاه نیست تا اینکه در تشهد آخر متوجه می‌شود، در آنصورت باید تشهد خود را کامل گرداند و سلام دهد و سپس دو سجده‌ی سهو بجای آورد و باز سلام دهد، اما اگر تا بعد از سلام دادن و خارج شدن از نماز متوجه رکعت اضافی نشد، باز هم کافیست تا دو سجده سهو برده و بعد سلام دهد. ولی چنانچه در حین انجام رکعت پنجم متوجه این رکعت اضافی شد، باید همان لحظه که بیادش آمد بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و سپس به دلیل این سهوی که انجام داده دو سجده انجام داده و باز سلام دهد.

دلیل آن حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه است که: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم صلى الظهر خمساً، فقيل له: أزيد في الصلاة؟ فقال: وما ذاك؟ قال: صليت خمساً، فسجد سجدتين بعد ما سلم».

پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را پنج رکعت خواند سپس به ایشان گفتند: آیا به نماز اضافه شده؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مگر چه اتفاقی روی داد؟ گفتند: شما پنج رکعت نماز خواندید، پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز (هنگامی متوجه سهو در نماز خود گشت با وجود اینکه قبلاً سلام داده بودند) دو سجده بجای آوردند و باز سلام دادند. و در روایتی دیگر آمده که ایشان رو به قبله کردند بعد دو سجده بردند بعد سلام دادند. (جماعت محدثین حدیث را روایت کرده اند).^۱

سلام دادن قبل از اتمام نماز:

سلام دادن قبل از پایان نماز جزو زیاده در نماز می‌باشد^۲، هرگاه نماز گزار قبل از اینکه نمازش پایان برسد عمداً سلام داد نماز او باطل می‌شود. و اگر از روی فراموشی بود؛

۱ - متفق علیه : بخاری (۱۲۲۶)، مسلم (۵۷۲)، ابوداود (۱۰۰۶)، ترمذی (۳۹۰)، ابن ماجه (۱۲۰۵)، نسائی (۱/۳۱).

۲ - وجه دلالت آن بر زیاده این است که نماز گزار سلامی را در اثناء نمازش اضافه نموده است. (مولف)

چنانچه تا بعد از مدت طولانی بدان آگاه نگشت، باید از نو نمازش را تکرار کند، اما اگر بعد از مدت زمان کمی متوجه اشتباه خویش شد مثلاً دو یا سه دقیقه بعد، باید باز گردد و نمازش را کامل نماید (بقیه نماز خود را بخواند) و سلام دهد بعد دو سجده‌ی سهو ببرد و سلام دهد. دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که گفت:

(أن النبي صلى الله عليه وسلم صلى بهم الظهر أو العصر فسلم من ركعتين فخرج السرعان من أبواب المسجد يقولون: قصرت الصلاة، وقام النبي صلى الله عليه وسلم إلى خشبة المسجد فاتكأ عليها كأنه غضبان، فقام رجل فقال: يا رسول الله! أنسيت أم قصرت الصلاة؟ فقال النبي صلى الله عليه وسلم: «لم أنس ولم تقصر»، فقال رجل: بلى، قد نسيت. فقال النبي صلى الله عليه وسلم للصحابة: «أحق ما يقول؟» قالوا: نعم، فتقدم النبي صلى الله عليه وسلم فصلى ما بقي من صلاته ثم سلم ثم سجد سجدةً ثم سلم). متفق عليه.

پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر یا عصر را با ما خواند سپس بعد از دو رکعت سلام دادند، بعد با سرعت از در مسجد خارج شد، صحابه رضی الله عنهم گفتند: نماز کوتاه شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم (بیرون از مسجد) به کنده‌ی مسجد تکیه زد گویی که خشمگین است، مردی برخواست و گفت ای رسول خدا! آیا فراموش کردی یا نماز کوتاه شده؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: نه فراموش کردم و نه نماز کوتاه شده، آن مرد گفت: آری پس فراموش کرده‌ای، پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش فرمود: آیا آنچه که می‌گوید درست است؟ جواب دادند: آری، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم باز گشتند و مابقی نمازش را خواند بعد سلام داد سپس دو سجده بردند و بعد سلام دادند.^۱

و هرگاه امام قبل از پایان نمازش سلام داد، و در همان حال برخی از مامومین که دیر به جماعت رسیده بودند و قسمتی از نمازشان باقی مانده، (با سلام امام) بلند می‌شوند تا بقیه نماز خود را بخوانند، بعد امام متوجه می‌شود که مرتکب سهوی در نمازش شده لذا بلند می‌شود

۱- از این حدیث برمی‌آید که باید بقیه نماز را از همانجا که ترک شده است از سر گرفت، خواه از دو رکعت سلام داده باشد یا از بیشتر یا کمتر. (فقه السنة سید سابق).

شود تا نماز خود را کامل کند^۱، حال آن دسته از مامومین که دیر به جماعت رسیده بودند و جهت ادامه‌ی نماز خود بلند شده بودند، مختار هستند یا تنهایی نماز باقی مانده‌ی خود را ادامه دهند که البته بایستی بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرند، یا آنکه دوباره به امام اقتدا کنند و با او بقیه نماز خود را ادامه دهند و هرگاه امام سلام داد بلند شوند و مابقی نماز خود را بخوانند و بعد از سلام دادن دو سجده ببرند و سلام دهند که این حالت برای آنها بهتر است.

نقص:

۱- نقص در ارکان نماز:

هرگاه نمازگزار رکنی از نمازش را ترک کرد، اگر آن رکن ترک شده تکبیره الاحرام^۲ باشد، نمازش باطل است حال چه از روی عمد باشد یا سهوا روی داده باشد، زیرا نماز وی با ترک تکبیره الاحرام منعقد نمی‌شود.

اما اگر رکن ترک شده غیر از تکبیره الاحرام بود؛ حال چنانکه ترک آن عمدی بوده باشد نمازش باطل است. اما اگر ترک آن سهوی باشد در اینصورت؛ اگر این نقص را بیاد نیاورد تا به مکان همان رکن ترک شده در رکعت بعدی رسید، باید آن رکعتی را که رکن در آن ترک شده بود حساب نکند بلکه رکعت اخیر را بعنوان جایگزین رکعت ناقص محسوب نماید. ولی اگر هنوز به مکان رکن ترک شده در رکعت بعدی نرسیده بود و بیاد آورد که رکنی را ترک کرده، در اینصورت بر او واجب است که (بلافاصله) به مکان رکن ترک شده بازگردد و آن رکن را بجای آورد و بعد (از همانجا) به نماز خود ادامه دهد. و در هر دو حالت فوق باید (واجب است) به سبب سهوی که در نمازش مرتکب شده بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد.

۱ - البته دیگر مامومین نیز که در ابتدای نماز با امام بودند نیز باید با امام برخیزند و نماز خود را کامل نمایند.

۲ - نگفتن الله اکبر آغازین نماز.

مثلاً فرض کنید شخصی در رکعت اول است و سجده‌ی دوم را فراموش می‌کند بعد در رکعت دوم هنگامی که بین دو سجده نشسته بیاد می‌آورد که در رکعت اول یک سجده برده است^(۱)، حال او باید رکعت اول خود را حساب نکند بلکه رکعت دوم را بجای آن محسوب نماید، عبارتی رکعت دوم را بعنوان رکعت اول نمازش حساب کند (زیرا رکعت اول به سبب ترک سجده‌ی دوم باطل است) بعد به نماز خود ادامه می‌دهد و سپس سلام داده بعد دو سجده می‌برد و باز سلام می‌دهد.

مثالی دیگر: فرض کنید شخصی در رکعت اول، جلوس بین دو سجده و نیز سجده‌ی دوم را فراموش می‌کند، بعد در رکعت دوم در هنگام رکوع آنرا بیاد می‌آورد^(۲)، در این حالت بایستی به مکان رکن ترک شده بازگردد یعنی بنشیند و سجده ای ببرد^(۳) بعد از همانجا به نماز خود ادامه دهد تا اینکه به انتها رسیده و سلام می‌دهد بعد به سبب سهوی که مرتکب شده دو سجده می‌برد و باز سلام می‌دهد.

۲- نقص در واجبات نماز:

هرگاه نمازگزار یکی از واجبات نماز را عمداً انجام نداد نمازش باطل می‌شود^(۴). اما اگر عمدی نبوده بلکه از روی فراموشی بود، و قبل از اینکه محل آن واجب را در نمازش ترک کند بیاد آورد، باید بلافاصله آن عمل واجب را انجام دهد و در این حالت دیگر چیزی بر وی نیست و نیازی به سجده‌ی سهو در پایان نمازش ندارد، ولی چنانچه بعد از

۱- در این حالت به مکان رکن ترک شده (یعنی سجده‌ی دوم) در رکعت بعدی رسیده و بعد بیاد آورده.

۲- در این حالت هنوز به مکان رکن ترک شده (یعنی سجده‌ی دوم) در رکعت بعدی نرسیده بلکه جلوتر و در رکوع بیاد آورده.

۳- برای این باید بنشیند چون در رکعت قبلی جلوس بین دو سجده را ترک گفته بود، و یک سجده هم برای ترک سجده‌ی دوم رکعت اول است، در ضمن آن مقدار اضافی که در رکعت دوم انجام داده را حساب نمی‌کند بلکه باید از همانجایی که نقص نماز خود را برطرف نمود بعنوان رکعت حساب نماید.

۴- در انتهای این کتاب در مورد ارکان و واجبات و سنتهای نماز بحث خواهیم کرد.

ترک محل واجب و قبل از رسیدن به رکن ما بعد آن بیادش آمد، بایستی بازگردد و واجب را انجام دهد ولی بعد از اینکه نمازش را کامل کرد و سلام داد باید دو سجده بابت این سهو انجام داده و سلام دهد.

و اگر پس از رسیدن به رکن بعد از آن بیادش آمد، لازم نیست که به محل عمل واجب‌ی که ترک کرده بازگردد بلکه نمازش را ادامه دهد و در عوض قبل از آنکه سلام دهد دو سجده‌ی دیگر بعنوان سجده‌ی سهو ببرد و بعد سلام دهد.^۱

مثلاً شخصی را در نظر بگیرید که در رکعت دوم است و از سجده‌ی دوم بر می‌خیزد ولی فراموش می‌کند که تشهد بخواند و به رکعت سوم می‌رود، حال در هنگامی که قصد برخاستن داشت (و هنوز بلند نشده) بیاد می‌آورد، در اینصورت او باید زود حالت نشسته به خود بگیرد و تشهد خود را بخواند و بعد به نمازش ادامه دهد اما او لازم نیست که در پایان نمازش سجده‌ی سهو ببرد. اما چنانچه بعد از اینکه برخاست ولی هنوز تماماً کمر خود را راست نکرده بود و به اصطلاح حالت ایستاده‌ی کامل به خود نگرفته بود، باید بازگردد و بنشیند و تشهد خود را بخواند و سپس نمازش را ادامه دهد و بعد از آنکه سلام داد دو سجده دیگر بابت سهوی که مرتکب شد انجام دهد و بعد سلام دهد.

و چنانچه بعد از اینکه برخاست و به حالت ایستاده درآمد، بیادش آمد دیگر لازم نیست بنشیند و تشهد بخواند بلکه تشهد از او ساقط می‌شود در عوض قبل از سلام دادن باید دو سجده‌ی سهو برده بعد سلام دهد.

دلیل آن روایتی است که امام بخاری و غیر او نیز از عبد الله بن بحینه رضی الله عنه آورده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را با آنها خواند و در دو رکعت اول برخاست بدون اینکه تشهد بخواند، صحابه نیز با وی برخاستند تا اینکه به آخر نماز رسیدند و آنها

۱- عبارتی ترک واجبات در نماز اگر سهواً روی دهد، با سجده‌ی سهو که قبل از سلام نماز صورت می‌گیرد جبران می‌شود.

منتظر شدند تا پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام دهد، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم الله اکبر گفت و قبل از اینکه سلام دهند دو سجده بردند و بعد سلام دادند^۱.

۳- نقص در ستهای نماز:

اگر نماز گزار یکی از سنن قولی یا فعلی نماز را که معمولاً در نماز خویش انجام می داد، عمداً یا سهواً فراموش کرد^۲، در اینصورت علما فرموده اند که انجام سجده‌ی سهو بدلیل ترک عمل سنت مستحب است ولی واجب نیست. بنابراین اگر سجده‌ی سهو نیز برده نشود هیچ خللی به نماز وارد نمی شود - مترجم]

شک:

شک به معنای تردید بین دو امر است که کدامیک روی داده است. در عبادات در سه حالت توجه و اعتنایی به شک نمی شود: اول: چنانچه شک فقط در حد وهم باشد و حقیقت نداشته باشد مانند وسواس. دوم: هرگاه بیشتر اوقات شخص در شک بسر می برد بگونه ای که هیچ عبادتی را انجام نمی دهد مگر اینکه در آن شک می کند. سوم: هرگاه شک بعد از فارغ شدن از عبادات حاصل شود که در اینصورت به آن اعتنایی نمی شود البته به شرطیکه بر آن شک یقین وجود نداشته، که در آنصورت به مقتضای یقین عمل می شود.

مثلاً شخصی نماز ظهر می خواند و بعد از اینکه از آن فارغ گشت در شک می افتند که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، در این حالت اعتنایی به این شک داده نمی شود مگر اینکه مطمئن باشد که سه رکعت نماز خوانده در اینصورت چنانچه زمان زیادی از پایان نماز

۱ - بخاری (۱۲۲۴)، مسلم (۵۷۰)، نسائی (۳/۱۹)، ابوداود (۱۰۲۱)، ترمذی (۳۸۹)، ابن ماجه (۱۲۰۶).

۲ - مانند ترک بالا بردن دستها هنگام گفتن تکبیرة الاحرام آغازین نماز، یا ترک قرائت سوره‌ی بعد از فاتحه.

نگذشته بود باید باز گردد و نمازش را کامل گرداند (یک رکعت باقی مانده را بخواند) بعد سلام دهد و سپس به سبب این سهو دو سجده ببرد و بعد سلام دهد، اما چنانچه تا بعد از مدت زمان طولانی بیادش نیامد در این حالت بایستی نمازش را از نو تکرار کند. اما شک در غیر سه حالت فوق الذکر معتبر است.

شک در نماز خارج از دو حالت نیست:

حالت اول: شخص نمازگزار بین دو امری که در آن دچار تردید شده است یکی را ترجیح می‌دهد، در اینصورت به مقتضای امری که ترجیح داده عمل می‌کند و نمازش را بر اساس آن کامل نموده و سلام می‌دهد، بعد (به سبب این شک) دو سجده می‌برد و سلام می‌دهد.

مثلاً شخصی نماز ظهر می‌خواند و بعد در شک می‌افتد که آیا در رکعت دوم است یا سوم، اما راجح نزد وی اینست که در رکعت سوم قرار دارد بنابراین او آن رکعت را بعنوان رکعت سوم خود در نظر می‌گیرد و بعد از آن رکعت دیگری خوانده و سلام می‌دهد بعد به سبب شکمی که بر او وارد شده دو سجده می‌برد و باز سلام می‌دهد.

دلیل آن حدیثی است که در صحیحین و غیر آن دو از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَتَحَرَّ الصَّوَابَ فَلْيَتَمَّ عَلَيْهِ ثُمَّ لِيَسْلَمْ ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ» لفظ متعلق به بخاری است.

یعنی: هرگاه یکی از شما در نماز خویش در شک افتاد (و ندانست چند رکعت خوانده است)، سعی کند که صحیح‌ترین آن را بیاد آورد و نمازش را بر اساس آن کامل کرده، بعد سلام گوید سپس دو سجده‌ی سهو، بجای آورد.^۱

حالت دوم: اینکه نمازگزار نمی‌تواند یکی از دو امر مورد تردید را ترجیح دهد و لذا به یقین عمل می‌کند و یقین در اینجا در نظر گرفتن کمترین است و بر اساس آن نماز خویش را

به اتمام می‌رساند و قبل از آنکه سلام دهد دو سجده‌ی سهو بجای آورده و بعد سلام می‌دهد.

مثلاً شخصی نماز عصر می‌خواند و بعد در رکعتی به شک می‌افتد که آیا رکعت دوم است یا سوم، و نمی‌تواند یکی را ترجیح دهد در این حالت او به یقین عمل کرده یعنی آن رکعت را بعنوان رکعت دوم خود محسوب می‌نماید و لذا تشهد اول را در آن رکعت می‌خواند و بعد از آن دو رکعت دیگر خوانده و قبل از آنکه سلام دهد به سجده‌ی سهو رفته بعد سلام می‌دهد.

دلیل آن حدیثی است که مسلم از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا شَكَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا؟ فليطرح الشك وليبين على ما استيقن ثم يسجد سجدتين قبل أن يسلم فإن كان صلى خمساً شفعن له صلاته وإن كان صلى إتماماً لأربع كانتا ترغيباً للشيطان»^۱.

یعنی: هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت خوانده آیا سه رکعت یا چهار رکعت خوانده است؟ باید شک را از خود دور کند و بنای کار را بر یقین بگذارد^۲، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس قبل از آنکه سلام بدهد دو سجده ببرد، حال اگر پنج رکعت خوانده باشد با انجام این دو سجده نمازش زوج می‌شود و اگر نمازش را چهار رکعت تمام خوانده باشد این دو سجده باعث خواری شیطان است.

و از جمله مثالهای دیگر شک در نماز:

هرگاه شخص در حالی به جماعت پیوست که امام در رکوع بود، او در حالت ایستاده تکبیره الاحرام گفته سپس به رکوع می‌رود، در این هنگام سه حالت پیش می‌آید:

۱ - مسلم (۵۷۱)، ابوداود (۱۰۱۱).

۲ - در رکعت سوم یقین دارد اما رکعت چهارم مورد شک است بنابراین بنا را بر یقین می‌گذارد و فرض می‌کند که سه رکعت خوانده است بدین ترتیب شک را از خود دور می‌کند.

اول: او یقین پیدا می‌کند که قبل از آنکه امام از رکوع بلند شود به رکوع وی رسیده، پس در این حالت رکعت برایش محسوب شده و قرائت فاتحه از وی ساقط می‌شود.
دوم: یقین می‌یابد که قبل از آنکه در رکوع به امام برسد وی (یعنی امام) از رکوع بلند شده و موفق نمی‌شود تا در رکوع به امام ملحق شود، در این حالت آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود.^۱

سوم: در شک می‌افتد که آیا امام را در رکوع دریافته - تا بعنوان رکعتی حساب شود - یا موفق نشده که او را در رکوع دریابد، حال چنانچه شخص یکی از این دو امر را راجح و صحیح پنداشت در اینصورت به مقتضای آن عمل می‌کند و نمازش را بر اساس آن تمام کرده و بعد از سلام (اگر مسبوق بود) دو سجده‌ی سهو می‌برد و سلام دهد، مگر اینکه مسبوق نبوده - یعنی تمامی رکعات نماز با امام بوده - که در آنصورت لازم به سجده‌ی سهو نیست.^۲

و اگر نتوانست یکی از آن دو امر مورد تردید را ترجیح دهد، باید به یقین عمل کند (و یقین در اینجا آنست که او رکعت را دریافته و چنین حساب می‌کند که موفق نشده در رکوع به امام برسد) پس نماز خود را بر اساس آن تمام کرده اما قبل از اینکه سلام دهد باید دو سجده‌ی سهو بجای آورد بعد سلام دهد.^۳

۱ - از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سَجُودٌ فَاسْجُدُوا، وَلَا تَعْدُوهَا شَيْئاً وَمَنْ أَدْرَكَ الرُّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ» یعنی: «هرگاه برای نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم شما هم به سجده بروید و آنرا (رکعتی) به حساب نیاورید و کسی که رکوع را در یابد، رکعت را دریافته است و برایش محسوب می‌شود».

۲ - زیرا امام سهو نماز ماموم را جبران می‌کند، ولی اگر ماموم مسبوق باشد چنین نخواهد بود.

۳ - بنابراین متوجه خواهیم شد که؛ اگر نمازگزار یکی از دو امر مورد شک را ترجیح داد، بعد از سلام سجده‌ی سهو می‌برد. ولی اگر نتوانست هیچکدام را ترجیح دهد و بنا بر یقین گذاشت، باید قبل از سلام سجده‌ی سهو ببرد.

فایده: اگر شخص در نماز خود دچار شک شد در آنصورت بنا بر آنچه که بیان شد یا به یقین عمل کرده یا به امری که نزد او راجح بوده عمل می‌کند، بعد بر او مشخص می‌شود که آنچه انجام داده صحیح بوده و زیاده یا نقصی در نمازش رخ نداده، بر اساس رای مشهور مذهب امام احمد سجده‌ی سهو از او ساقط می‌گردد، زیرا سبب سجده‌ی سهو که همان شک است از او برطرف گشته، و البته برخی گفته‌اند که سجده‌ی سهو از او ساقط نمی‌شود تا مایه‌ی خواری شیطان شود، به دلیل این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: «وإن كان صلي إتماماً كاننا ترغيماً للشيطان»^۱ یعنی: و اگر نمازش را تمام خوانده باشد این دو سجده باعث خواری شیطان است.

و نیز بدلیل اینکه در بخشی از نمازش دچار تردید شده و لذا این رای راجح است. مثلاً شخصی نماز می‌خواند و سپس در رکعتی به شک می‌افتد که آیا رکعت دوم است یا سوم؟ و نمی‌تواند یکی از این دو امر را ترجیح دهد لذا بنا بر یقین می‌گذارد و آن رکعت را رکعت دوم در نظر می‌گیرد و نماز خود را بر اساس آن ادامه داده سپس برایش مشخص می‌شود که آن رکعتی که در آن دچار تردید شده بود در حقیقت رکعت دوم بوده حال در این حالت بر طبق مذهب مشهور امام احمد نیازی نیست تا سجده‌ی سهو بجای آورد اما بر اساس قول دوم که ما آنرا راجح می‌دانیم باید قبل از سلام دو سجده‌ی سهو برده و بعد سلام دهد.

سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف ماموم:

هرگاه امام دچار سهوی در نماز خود شد بر ماموم واجب است که در سجده‌ی سهو از امام متابعت نماید، به دلیل فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم: «إنما جعل الإمام ليؤتم به فلا تختلفوا عليه فإذا كبر فكبروا، وإذا ركع فاركعوا... إلى أن قال: وإذا سجد فاسجدوا».

۱- تخریج آن قبلاً گذشت.

یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود؛ پس از وی تخلف نکنید و هرگاه تکبیر گفت، تکبیر بگویید... تا جائیکه فرمود: و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید» متفق علیه از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

و فرقی نیست که امام قبل از سلام سجده سهو بجای آورد یا بعد از آن، و در هر دو حالت بر ماموم واجب است که از امام پیروی و متابعت کند، مگر اینکه ماموم مسبوق باشد و مسبوق کسی است که دیر به جماعت رسیده و با پایان جماعت، هنوز قسمتی از نمازش باقی می ماند، در این حالت او نباید در سجده‌ی سهوی که بعد از سلام صورت می گیرد از امام متابعت نماید، یعنی شخص مسبوق نمی تواند با امام سلام دهد بلکه با سلام امام باید برخیزد و به نماز خویش ادامه دهد، اما بعد از آنکه نمازش را تمام کرد و سلام داد او نیز باید دو سجده‌ی سهو بجای آورد و سلام دهد. بر این اساس مسبوق بلند شده و آن قسمت از نمازش را که نخوانده ادامه می دهد بعد سلام داده و سپس دو سجده‌ی سهو می برد و باز سلام می دهد.

مثلا شخصی هنگامی به جماعت می پیوندد که امام در رکعت آخر است، بعد امام در نماز خود مرتکب سهوی می شود و بر او واجب می شود تا بعد از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد، حال بعد از آنکه امام تشهد خواند و سلام داد ماموم بایستی بلند شود و نماز خود را ادامه دهد و نباید با امام به سجده‌ی سهو برود، اما هرگاه نماز خود را بپایان رسانید و سلام داد او نیز دو سجده ببرد و سلام دهد. اما اگر ماموم^۱ خود به تنهایی در نمازش دچار سهوی شد ولی امام نمازش کامل و بدون نقص یا زیاده بود، در این حالت ماموم لازم نیست (چه قبل از سلام و چه بعد از آن) سجده‌ی سهو ببرد، زیرا سجده‌ی وی در این حالت باعث تخلف او از امام و عدم متابعت وی خواهد شد، همچنین هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز خویش فراموش کرد تا تشهد اول را بخواند، صحابه رضی الله عنه نیز تشهد را

۱- توجه کنید که مسبوق نیست.

نخواندند یعنی خود به تنهایی ننشستند تا تشهد بخوانند بلکه با ایشان بلند شدند تا مراعات متابعت را کرده باشند و از او تخلف نکرده باشند.

اما اگر ماموم با پایان جماعت هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده بود^۱ و او همراه امام یا بعد از اتمام جماعت خود دچار سهوی شد، سجده‌ی سهو از او ساقط نمی‌شود و باید پس از اتمام نماز بنا به نوع سهوی که مرتکب شده قبل یا بعد از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد. مثلاً ماموم فراموش می‌کند که در رکوع ذکر «سبحان ربی العظیم» را بگوید و با امام نمازش پایان می‌رسد و به اصطلاح مسبوق نبوده، در این شرایط لازم نیست که سجده‌ی سهو بجای آورد^۲. اما چنانچه با پایان نماز هنوز یک یا دو رکعت برایش باقی مانده باید پس از اینکه آن رکعتها را خواند قبل از اینکه سلام دهد دو سجده‌ی سهو بجای آورد^۳.

مثالی دیگر: فرض کنید که ماموم همراه امام نماز ظهر می‌خواند، هنگامی که امام در رکعت سوم است و می‌خواهد برای رکعت چهارم بلند شود، ماموم برای تشهد می‌نشیند زیرا گمان می‌کند که در رکعت آخر است، اما هنگامی که متوجه می‌شود امام برخاسته او نیز بلند می‌شود؛ حال در چنین وضعیتی ماموم دو حالت متفاوت خواهد داشت: اگر با پایان نماز امام، ماموم هیچ قسمتی از نمازش باقی نمانده بود^۴، بعد از اتمام نماز لازم نیست تا سجده‌ی سهو بجای آورد، اما چنانچه هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده - یک یا چند رکعت - او با سلام امام بلند شده و بقیه نمازش را تمام می‌کند بعد سلام داده و سپس دو سجده‌ی سهو برده و باز سلام می‌دهد. و این سجده بخاطر نشستن بود که ماموم در هنگام برخاستن امام برای رکعت چهارم به نماز خود اضافه کرده بود.

۱- یعنی مسبوق باشد.

۲- زیرا همانطور که قبلاً اشاره شد، امام سهو او را متحمل شده و جبران می‌کند.

۳- زیرا گفتن این ذکر جزو واجبات نماز است و قبلاً خواندیم که با ترک یکی از واجبات نماز باید قبل از

سلام سجده‌ی سهو برد.

۴- یعنی ماموم از ابتدای جماعت با امام بوده و با تمام شدن نماز امام، او نیز نمازش تمام می‌شود.

نکته: بر اساس مطالب گذشته مشخص می‌شود که سجده‌ی سهو گاهی قبل از سلام است و گاهی بعد از سلام؛

و سجده‌ی سهو قبل از سلام در دو حالت لازم می‌شود:

اول: اگر در نماز نقصی صورت گیرد، بدلیل حدیث عبدالله بن بجینه رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که تشهد اول را فراموش کرد در پایان نماز و قبل از سلام دو سجده‌ی سهو بردند. که در سابق لفظ حدیث ذکر شد.

دوم: هرگاه نمازگزار در بین دو امر دچار شک شود و نتواند هیچکدام را ترجیح دهد، بدلیل حدیث ابو سعید خدری رضی الله عنه در مورد کسی که در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت - سه یا چهار رکعت - خوانده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر نمود تا قبل از آنکه سلام دهد دو سجده بجای آورد که سابقاً لفظ حدیث ذکر شد.

و سجده‌ی سهو بعد از سلام در دو حالت لازم می‌شود:

اول: اگر زیادتی در نماز صورت گیرد، بدلیل حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز ظهر را پنج رکعت خواند و بعد از آنکه بیادش آوردند ایشان بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بردند و بعد سلام دادند و (چون) بیان نکرده که سجده‌ی سهو ایشان بعد از سلام بدلیل آن بود که تا بعد از پایان نماز به آن زیاده در نماز خود مطلع نشد، بنابراین حدیث بر عموم حکم دلالت می‌کند؛ یعنی (بر اساس این حدیث) هرگاه زیادتی در نماز صورت گرفت سجده‌ی سهو باید بعد از سلام باشد، حال چه بعد از پایان نماز بیادش آمد و چه در اثناء نماز و قبل از سلام، و همچنین کسی که از روی فراموشی قبل از پایان نماز سلام داد بعد بیادش آمد و ادامه‌ی نمازش را خواند، چون او سلامی را در اثناء نمازش اضافه کرده پس بعد از سلام دو سجده‌ی سهو انجام می‌دهد؛ بدلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکعت دوم نماز ظهر یا عصر سلام دادند بعد بیادش آوردند و ایشان نمازش را ادامه داده و تمام نمودند و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بردند و سلام داد چنانکه سابقاً در لفظ حدیث ذکر شد.

دوم: هرگاه نماز گزار بین دو امر در شک افتاد ولی یکی را ترجیح داد، بدلیل حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم در شک افتاد بعد امر صواب را تشخیص داد و نماز خود را بر اساس آن تمام نمود بعد سلام می‌دهد و دو سجده‌ی سهو می‌برند که سابقا بالفظ حدیث ذکر شد.

و هرگاه نماز گزار در نماز خویش دو بار دچار سهو شد و لازم شود تا برای یکی قبل از سلام و برای دیگری بعد از سلام سجده‌ی سهو برد، در این حالت علما فرموده‌اند که قبل از سلام بر بعد از سلام غلبه می‌کند و لذا بایستی فقط سجده‌ی سهو قبل از سلام را بجای آورد. مثلا شخصی نماز ظهر می‌خواند و در رکعت دوم فراموش می‌کند که تشهد بخواند و برای رکعت سوم بلند می‌شود و بعد در رکعت سوم به گمان اینکه در رکعت دوم است نشسته و تشهد می‌خواند، بعد بیاد می‌آورد که او در رکعت سوم است نه دوم، لذا بلند شده و یک رکعت دیگر خوانده و قبل از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد و سپس سلام می‌دهد. این شخص تشهد اول را ترک کرد لذا سجده‌ی سهو آن قبل از سلام است و همچنین نشستی اضافی در رکعت سوم داشته که سجده‌ی سهو آن بعد از سلام است اما قبل از سلام غالب شد. والله اعلم

از الله تعالی خواستارم تا ما و برادران مسلمانان را بر فهم کتابش و سنت رسولش صلی الله علیه وسلم و عمل به آن دو در ظاهر و باطن در عقیده و عبادت و معاملات توفیق فرماید و عاقبت همگی ما را بخیر کند چرا که براستی او بسیار بخشنده و بخشاینده است.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین .

نگارش آن به قلم فقیر الی الله

محمد بن صالح العثیمین در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۴ هـ ق پایان یافت.

۱- حال او دو بار مرتکب سهو شده و لازم شده تا یکبار به سبب فراموش کردن تشهد اول، قبل از سلام سجده‌ی سهو برد زیرا دچار نقصی در نماز خود شده، و یکبار به سبب نشستن اضافی در رکعت سوم لازم شده تا بعد از سلام سجده‌ی سهو برد زیرا زیادتیی را در نماز خود انجام داده است .

اضافات

از اینجا به بعد مطالبی اضافه بر متن "رسالة في سجود السهو" که در فوق ترجمه شد خواهیم آورد تا هم بحث کامل تر گردد و هم به سئوالاتی احتمالی در این قضیه پاسخ داده شده باشد، که البته مطالب زیر بیشتر از آثار مولف یعنی علامه ابن عثیمین رحمه الله ترجمه شده است و قسمتی نیز از دیگر کتابهای معتبر فقهی اخذ شده است.

در ابتدا احکام سجده‌ی سهو را مختصرا در ذیل بیان می‌کنیم که این ملخص از همین رساله جناب شیخ ابن عثیمین رحمه الله گرفته شده است:

خلاصه‌ی احکام سجده‌ی سهو:

اگر ماموم از ابتدای نماز با امام بود و در تمامی رکعات نماز جماعت حضور داشت در اینصورت بر او واجب است که در سجده‌ی سهو تابع امام خویش باشد، و دلیل آن عموم فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرمود: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَحْتَلِفُوا عَلَيْهِ ، فَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا ، وَإِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا». بخاری (۷۲۲) و مسلم (۴۱۴).

یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده است که به او اقتدا شود؛ پس از وی تخلف نکنید، هرگاه به رکوع رفت به رکوع بروید، و چون گفت: "سمع الله لمن حمده" شما بگوئید: "ربنا لك الحمد" و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید»

اما چنانچه شخص از ابتدا در جماعت نبود بلکه بعدا به جماعت ملحق شد (یعنی مسبوق)، در اینصورت او فقط باید در سجده‌ی سهو قبل از سلام تابع امام باشد، و نباید در سجده‌ی سهو امام که بعد از سلام بجای می‌آورد از او پیروی کند، زیرا در این حالت امام ابتدا سلام داده بعد سجده‌ی سهو می‌برد و لذا برای فرد مسبوق ممکن نیست که با امام سلام دهد و بعد سجده‌ی سهو ببرد، بلکه او با سلام امام باید برخیزد و مابقی نماز خود را تکمیل کند، بعد که نمازش را کامل نمود و سلام داد او نیز باید سجده‌ی سهو ببرد و سلام دهد.

اما اگر بخواهیم بصورت مختصر قضیه را در حالت‌های مختلف ماموم و مسبوق با امام بررسی کنیم خواهیم داشت:

۱- اگر ماموم تمامی رکعات نماز همراه امام و جماعت بود، و امام مرتکب سهوی شد و برای آن سجده‌ی سهو برد، بر ماموم نیز لازم است که با امام به سجده برود حال چه قبل از سلام باشد و چه بعد از سلام.

۲- اگر ماموم از ابتدا همراه امام و جماعت نبود و به اصطلاح مسبوق بود، حال چنانچه در قسمتی از نماز که امام مرتکب سهو شد همراه او بود، در اینصورت:

اگر امام قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد، مسبوق نیز باید همراه او به سجده برود بعد که امام سلام داد بلند شود و نماز خود را کامل کند، سپس قبل از اینکه سلام دهد برای بار دوم سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا سجده‌ی سهو اول که همراه امام بود در غیر مکان اصلی خود بود^۱ چون سجده‌ی سهو در اثنای نماز نیست بلکه در آخر نماز است، و سجده‌ی اول او همراه امام فقط بدلیل متابعت از امام بود و جایگزین سجده‌ی سهو برای مسبوق نخواهد شد.

۳- اگر فرد مسبوق در قسمتی از نماز که امام در آن مرتکب سهو شده همراه وی نبود، مثلاً ماموم در رکعت دوم به جماعت ملحق شده ولی امام در رکعت اول نماز خود دچار سهوی شده باشد، در این حالت:

اگر امام قبل از سلام سجده برد، مسبوق نیز از وی پیروی کند سپس با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل نماید، اما لازم نیست که در آخر نماز برای بار دوم سجده برد زیرا او به هنگام سهو امام با وی نبوده است.

و اگر امام بعد از سلام سجده داد، ماموم نباید از وی پیروی کند بلکه با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل نماید، همچنین در آخر نماز لازم نیست سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا او در هنگام سهو امام با وی نبوده، زیرا سهو امام هنگامی رخ داد که او هنوز به جماعت ملحق نشده بود.

۱ - مکان سجده‌ی سهو در پایان نماز است حال با توجه به نوع سهو یا قبل از سلام است یا بعد از سلام.

تمامی حالت‌های فوق، برای زمانی بود که امام در نماز خویش دچار سهو می شود که بر حسب شرایط مختلف ماموم نیز باید تابع او باشد. اما اگر در جماعت امام دچار سهو نشود بلکه ماموم خود تنهایی مرتکب سهوی شود، در اینصورت:

۴- اگر ماموم از ابتدا با جماعت همراه بود و به اصطلاح مسبوق نبود و بعد دچار سهو گشت، چنانچه ترک واجبی نماید مثلاً فراموش کرد که در رکوع ذکر "سبحان ربی العظیم" را بگوید، سجده‌ی سهو بر او لازم نیست زیرا امام سهو وی را متحمل می شود و برایش جبران می کند. اما اگر یکی از ارکان نماز را ترک گفت مثلاً در یکی از رکعت‌ها خواندن فاتحه را فراموش کرد و بعداً در اثناء نماز بیادش آمد، در این وضعیت هنگامی که نماز تمام شد و امام سلام داد او نباید سلام دهد بلکه لازمست بلند شود تا رکعتی را که در آن رکنی را ترک کرده بود از نو بخواند و آنرا جبران نماید بعد تشهد خوانده و سلام دهد و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد.

۵- اگر ماموم قسمتی از جماعت را با امام همراه نبوده یعنی به تمامی رکعات نماز جماعت نرسیده بود و در نماز خویش دچار سهوی گشت - چه در قسمتی که همراه امام است و چه در قسمتی که خود تنهایی بعد از سلام امام بلند می شود و مابقی نماز خود را کامل می گرداند - بر او لازم است که در آخر نماز با توجه به نوع سهوی که انجام داده سجده‌ی سهو بجای آورد.

برادر و خواهر مسلمانم! آیا می دانی که:

۶- اگر نماز گزار قبل از اتمام نماز عمداً سلام دهد نمازش باطل می شود.

۷- اگر نماز گزار رکنی اضافی مانند رکعت یا رکوع یا سجده یا قیامی را عمداً به نمازش اضافه کرد، نماز او باطل است.

۸- اگر رکنی از نماز را ترک کرد: اگر تکبیره الاحرام باشد در اینصورت نمازش صحیح نیست حال چه عمدی باشد و چه سهواً فراموش کرده باشد، زیرا نمازش منعقد نشده

و باید از نو نماز بخواند. و اگر رکن ترک شده غیر از تکبیره الاحرام باشد چنانکه عمدی بوده باشد نمازش باطل می‌شود، و اگر سهوا بود باید آن رکن را جبران نماید.

۹- اگر یکی از واجبات نماز را عمدا انجام نداد، نمازش باطل است.

۱۰- اگر سجده‌ی سهو بعد از سلام باشد لازمست پس از انجام سجده‌ی سهو دوباره

سلام دهد.

برگرفته از "رسالة في أحكام سجود السهو" شیخ ابن عثیمین رحمه الله.

جدول زیر مختصری از احکام سجده‌ی سهو است:

محل سجده	حالت‌های آن	مساله	
بعد از سلام دو سجده‌ی سهو برده و دوباره سلام می‌دهد.	اگر بعد از گذشت زمان طولانی بیادش آمد، باید از نو نماز بخواند. و اگر بعد از زمان اندک مثلاً تا پنج دقیقه بعد، او باید مابقی نمازش را ادامه داده تا کامل شود و سلام دهد.	در مورد سلام قبل از اتمام نماز: اگر نمازگزار از روی فراموشی قبل از اتمام نماز سلام داد.	۱۱
بعد از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد و دوباره سلام می‌دهد.	اگر بعد از انجام آن زیاده بیادش آمد، در اینصورت چیزی بر وی نیست به جز سجده‌ی سهو. و اگر در اثناء انجام آن بیاد آورد باید آنرا قطع کند و از آن بازگردد.	در مورد زیاده در نماز: هرگاه نمازگزار سهوا قیام یا رکوع یا سجده‌ی را به نماز خود اضافه نمود.	۱۲

<p>در هر دو حالت لازم است که دو سجده‌ی سهو بعد از سلام بجای آورد.</p>	<p>اگر به مکان انجام همان رکن ترک شده در رکعت بعد از آن رسید و بعد بیادش آمد، در اینصورت رکعت ناقص را ملغی نماید و در عوض آن رکعت موجود را جایگزین آن کند.</p> <p>و اگر هنوز به مکان رکن ترک شده در رکعت بعد از آن نرسیده و یکدفعه بیاد آورد که رکنی را ترک گفته، در اینصورت باید در هر حالتی که هست انصراف دهد و به مکان رکن ترک شده بازگردد و و پس از بجای آوردن آن رکن، از آنجا نماز خود را ادامه دهد.</p>	<p>در مورد ترک یکی از ارکان: اگر یکی از ارکان نماز - غیر از تکبیره الاحرام - را از روی فراموشی ترک گفت.</p>	<p>۱۳</p>
---	---	---	-----------

<p>در حالت اول باید بعد از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد.</p> <p>در حالت دوم قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد.</p>	<p>حالت اول: یا از روی ظن غالب یکی از دو امر مورد شک را ترجیح داده و نماز خود را بر اساس آن تمام کرده و سلام می‌دهد.</p> <p>حالت دوم: یا نمی‌تواند هیچیک را ترجیح دهد، در اینصورت باید بنا بر یقین نماید؛ یعنی کمترین تعداد رکعات را در نظر گرفته و نماز را بر اساس آن تمام کند.</p>	<p>در مورد شک در نماز: اگر در تعداد رکعات نماز شک کرد که مثلاً آیا دو رکعت خوانده یا سه رکعت، در اینصورت دو حالت بیشتر وجود ندارد:</p>	۱۴
<p>برای مورد یک لازمست تا قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد.</p> <p>برای مورد دو باید بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد.</p> <p>اما برای مورد سه لازم نیست سجده‌ی سهو برد، زیرا او مرتکب امر زیاده یا نقصی نشده است.</p>	<p>۱- اگر تا پس از بلند شدن کامل بیادش نیامد، در اینصورت لازم نیست تا به محل تشهد بازگردد بلکه نماز خود را ادامه دهد.</p> <p>۲- اگر بعد از اینکه برخاست ولی هنوز به طور کامل به حالت ایستاده در نیامده، باید به محل تشهد</p>	<p>در مورد ترک تشهد اول: اگر تشهد اول را فراموش کرد.</p> <p>(البته حکم ترک مابقی واجبات نماز نیز بمانند حکم ترک تشهد است)</p>	۱۵

بازگشته و تشهد خویش را بخواند و بعد به نماز ادامه دهد. ۳- اگر در همان لحظه‌ی درخواستن که دستهایش را از رانها جدا می‌کند بیاد آورد، باید بلافاصله حالت نشسته به خود بگیرد و تشهد خویش را بخواند.		
---	--	--

سوال: حکم متابعت امام در رکعت اضافی؟

از شیخ ابن عثیمین رحمه الله سوال می‌شود: اگر امام سهوا پنج رکعت نماز خواند، حکم نماز او و ماموم چیست؟ و آیا آن رکعت اضافی برای مسبوق در نظر گرفته می‌شود؟ ایشان جواب می‌دهند:

اگر امام سهوا پنج رکعت خواند، نمازش صحیح است و همچنین کسی که پشت وی نماز می‌خواند بشرطیکه او نیز متوجه رکعت اضافی نشد و سهوا با امام برخواست یا اصلا به حکم آن جهل داشت، نمازش صحیح است.

اما کسی که به آن رکعت اضافی آگاه بود ولی امام برای رکعت اضافی برخواست، او باید (با گفتن سبحان الله امام را متوجه اشتباه خود کند و اگر متوجه نشد نباید با او بلند شود بلکه) خود بنشیند و تشهد خوانده و سلام دهد، زیرا او در این حالت می‌داند که آن رکعت اضافی باعث ابطال نماز امام می‌شود، مگر آنکه ماموم احساس کند که هدف امام از برخواستن برای رکعت اضافی به سبب وارد شدن خللی در یکی از رکعتهای نمازش بوده،

مانند ایجاد خللی در قرائت فاتحه، که در این حالت باز نبایستی با امام بلند شود بلکه باید در جای خود نشسته اما منتظر امام بماند و با او سلام دهد.

اما این رکعت اضافی امام، بعنوان رکعتی برای فرد مسبوق؛ یعنی کسی که از رکعت دوم به بعد به جماعت ملحق گشته، محسوب می شود.

مثلا هرگاه شخص در رکعت دوم وارد جماعت شد، باید هنگام برخاستن امام در رکعت اضافی با وی بلند شود و بعد با او سلام دهد، و اگر در رکعت سوم به جماعت ملحق شد آن رکعت اضافی امام برای او در نظر گرفته می شود و لذا بعد از سلام امام فقط یک رکعت دیگر می خواند،^۱ زیرا اگر بگوییم آن رکعت اضافی برای مسبوق در نظر گرفته نمی شود، بدین معناست که مسبوق عمدا رکعتی را اضافه می خواند در حالیکه اگر کسی عمدا یک رکعت اضافه بخواند نمازش باطل است، اما امام معذور است زیرا او عمدا آن رکعت را اضافه نخوانده بلکه از روی فراموشی بوده و لذا نمازش باطل نیست.

مجموع فتاوی ابن عثیمین (۲۰/۱۴).

سوال: مسبوق فراموش می کند که با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند بلکه با او سلام می دهد، آیا بعد از آنکه بیاد آورد و نمازش را کامل نمود لازم است سجده‌ی سهو ببرد؟

آری، لازم است که پس از اتمام نمازش سجده‌ی سهو بجای آورد، ماموم اگر از ابتدای جماعت همراه امام بود و احیانا دچار سهوی شد لازم نیست سجده‌ی سهو ببرد ولی چنانچه مسبوق بود اگر سهوی مرتکب شد باید در انتهای نماز سجده‌ی سهو ببرد.

۱- البته چون امام در نماز خود زیادتى داشت، و بابت آن سهو لازم می شود که بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد ولی مسبوق که هنوز یک یا چند رکعت وی باقی مانده نباید با امام سلام دهد و به سجده سهو برود بلکه بایستی با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل گرداند و سلام دهد و بعد او نیز دو سجده‌ی سهو برده و دوباره سلام می دهد، زیرا فرد مسبوق در سهو امام همراه او بوده است.

امام نووی رحمه الله می‌گوید: "اگر ماموم پشت سر امام دچار سهو گشت امام سهو او را متحمل می‌شود، و لازم نیست هیچکدام از ماموم‌ها سجده‌ی سهو ببرند و در این خلافی بین علما نیست، شیخ ابو حامد گوید: و این رای جمیع علما بجز مکحول است، چرا که او می‌گوید ماموم به خاطر سهو خود (جدای از امام) سجده می‌برد." "المجموع" (۶۳/۴) و دلیل آن نیز فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَلَا تَخْتَلَفُوا عَلَيْهِ» رواه البخاری (۷۲۲) و مسلم (۴۱۴).

یعنی: امام برای این قرار داده شده است تا از وی پیروی شود، پس از او تخلف نکنید. و اگر ماموم خود سجده‌ی سهو ببرد در حقیقت از امام تخلف ورزیده است. اما اگر مسبوق باشد، باید در پایان نماز خود سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا او بقیه‌ی نماز خود را بصورت منفرد خوانده و لذا اگر در انتها سجده‌ی سهو ببرد با امام مخالفت نکرده است.

امام نووی رحمه الله می‌گوید: "و اگر فرد مسبوق باشد و بعد از سلام امام دچار سهوی شد، در آنصورت امام سهوی او را متحمل نمی‌شود زیرا اقتدای ماموم به امام قطع شده است." "المجموع" (۶۴/۴)

و شیخ ابن عثیمین رحمه الله می‌گوید: "اگر ماموم در نماز خود دچار سهو شد و او مسبوق بود، در آنصورت اگر سهو او باعث واجب شدن سجده‌ی سهو باشد بایستی در پایان نماز سجده‌ی سهو ببرد." "مجموع الفتاوی" (۱۴/رقم ۶۹۸)

بنابراین، اگر شخص مسبوق با سلام امام سهوا سلام داد، بر او واجب است ابتدا بلند شده و نماز خویش را کامل کند و بعد از اینکه سلام داد دو سجده‌ی سهو ببرد و باز سلام دهد. والله أعلم.

سوال: مردی مسافر است و نماز خود را قصر می‌خواند اما بعد از آنکه دو رکعت خواند فراموش می‌کند و برای رکعت سوم بلند می‌شود، آیا بر او لازم است که بلافاصله بازگردد و سلام دهد یا اینکه نماز خود را کامل چهار رکعت بخواند؟

جواب: "افضل آنست که بازگردد، زیرا او قصد دارد تا دو رکعت نماز بخواند، پس باید دو رکعت خوانده و بر آن نيفزاید، و پس از آنکه بازگشت و سلام داد دو سجده‌ی سهو ببرد، اما اگر احيانا بازنگشت و خواست تا نماز خود را کامل (چهار رکعت) بخواند اشکالی ندارد." "مجموع فتاوی الشیخ ابن عثيمين" (۳۲/۱۴).

سوال: حکم سجده‌ی سهو چیست؟

اهل علم در مورد حکم سجده‌ی سهو دو قول دارند:

اول: سجده‌ی سهو واجب است، و این مذهب حنفیه و برخی از مالکیه و حنابله و ظاهریه و قول مختار شیخ الاسلام است.

دلیل آنها:

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم در احادیث مختلف بدان امر کرده است.

۲- مداومت پیامبر صلی الله علیه وسلم بر سجده‌ی سهو و عدم ترک آن دو سجده.

دوم: سجده‌ی سهو مستحب است، و این مذهب مشهور نزد مالکیه و شافعیه و روایتی از حنابله است.

دلیل آنها:

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: «اذا شک احدکم فی صلاته فلیلق الشک و لیبن علی الیقین، فاذا استیقن التمام سجد سجدتین، فان کانت صلاته تامة کانت الركعة نافلة والسجدتان، و ان کانت ناقصة کانت الركعة تماما لصلاته، و کانت السجدتان مرغمتی الشیطان» (ابوداود (۱۰۲۴))

یعنی: هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شك شد، شك را از خود دور کند و بر یقین بنا کند، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس دو سجده ببرد، اگر نمازش را کامل خوانده باشد آن رکعت و دو سجده برایش نافله خواهد بود، و اگر نمازش ناقص بوده آن رکعت نمازش را کامل می‌کند و آن دو سجده باعث خواری شیطان می‌شود.

بعد گفته‌اند این حدیث بر این دلالت دارد که سجده‌ی سهو سنت است نه واجب.

ولی شیخ الاسلام چنین جواب می‌دهد: " (اولاً) لفظ (كانت الركعة والسجدة) نافله) در حدیث مذکور در صحیح وارد نشده است بلکه لفظ صحیح اینگونه است: «فليطرح الشك وليبين على ما استيقن ثم يسجد سجدتين قبل أن يسلم. فإن كان صلى خمسا شفعن له صلاته، وإن كان صلى إتماماً لأربع كانتا ترغيماً للشيطان». مسلم (۵۷۱)؛ یعنی: (هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شك شد و ندانست چند رکعت - سه یا چهار رکعت - خوانده است) باید شك را از خود دور کند و بر یقین بنا کند، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس قبل از آنکه سلام بدهد دو سجده ببرد، پس اگر پنج رکعت خوانده باشد با انجام این دو سجده نمازش زوج می‌شود و اگر نمازش را چهار رکعت تمام خوانده باشد این دو سجده سبب خواری و زبونی شیطان است.

و در ادامه می‌گوید به فرض محال که پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین فرموده باشد، معنی آن این است که نمازگزار در هنگام شك مأمور به انجام سجده‌ی سهو است، و اگر فرض کنیم نمازش کامل بوده باشد چیزی را از دست نداده و اگر زیادتی انجام داده باشد آن عمل اضافی مانند نماز نافله برای او اجر و صواب دارد. " (صحیح فقه السنة، أبو مالک أنس بن السید سالم)

بر این اساس می‌توان گفت که سجده‌ی سهو واجب است.

اما اگر سهو رخ داده شده در نماز مربوط به یکی از اقوال یا افعال مستحب و سنت باشد،

در آن صورت سجده‌ی سهو نیز مستحب خواهد بود.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می گوید: "اگر نماز گزار در رکعت اول فاتحه را قرائت نمود ولی فراموش کرد که بعد از فاتحه سوره ای دیگر بخواند و به رکوع رفت، لازم نیست بازگردد و سوره را بخواند و سجده‌ی سهو نیز بر او واجب نیست، ولی در این حالت سجده‌ی سهو بر او مستحب خواهد بود، زیرا سجده‌ی سهو برای واجبات نماز واجب است و برای سنت های آن مستحب است. (هم در نماز فرض هم در نماز سنت)". "فقه السنة للنساء" (ص ۲۰۱).

سوال: ارکان و واجبات و سنتهای نماز کدامند؟

الحمد لله،

ارکان نماز عبارتند از؛ اقوال و افعالی که حقیقت و ماهیت نماز بر آنها استوار است، و چنانچه از یکی از ارکان تخلف شود نماز محقق نخواهد شد و شرعا نماز محسوب نمی شود و فرد بریء الذمه نخواهد شد و با سجده‌ی سهو نیز جبران نمی شود.

هر کس رکنی از نماز خود را ترک کند، خالی از دو حالت زیر نیست:

الف) یا رکن را عمدا ترک کرده که به اتفاق نماز او باطل است.

ب) یا رکن را سهوا و یا از روی جهل ترک گفته؛ که در اینصورت اگر ممکن بود که رکن ترک شده را جبران نماید پس به اتفاق بر وی واجب می شود، و اگر جبران آن ممکن نبود در آنصورت بر اساس مذهب حنفیه نمازش فاسد می شود، ولی بر طبق رای جمهور که راجح نیز است فقط رکعتی که در آن رکن ترک شده ملغی می شود، مگر اینکه آن رکن ترک شده گفتن تکبیره الاحرام آغازین نماز باشد زیرا ترک آن چه سهوا و چه عمدا باعث ابطال نماز است و باید از نو نمازش را بخواند.

واجبات نماز عبارتند از؛ آنچه که انجام یا گفتن آن در نماز واجب باشد. و اگر سهوا ترک شود با سجده‌ی سهو جبران می شود اما اگر عمدی ترک شود نماز باطل می گردد. و

۱- یعنی به سبب ترک آن مرتکب حرام شده ولی بریء الذمه خواهد شد.

این تعریف نزد حنفیه و حنابله است بجز اینکه حنفیه معتقد نیستند که ترک عمدی واجبات باعث باطل شدن نماز باشد بلکه ترک عمدی آنها موجب عقاب و فسق نمازگزار می شود. اما نزد مالکیه و شافعیه چیزی بنام واجبات نماز تعریف نشده است بلکه آنها معتقد به وجود ارکان و سنن نماز هستند.

اما فرق بین رکن و واجب: همانطور که اشاره شد؛ رکن نباید نه عمدا و نه سهوا ترک شوند در غیر اینصورت نماز باطل است و با سجده‌ی سهو جبران نمی شوند؛ اما ترک واجبات از روی فراموشی باعث ابطال نماز نیست و با سجده‌ی سهو جبران می شود. سنت‌های نماز عبارتند از؛ اقوال و افعالی که بجا آوردن آنها در نماز مستحب است و انجام دهنده‌ی آنها پاداش می گیرد و با ترک آنها نماز باطل نمی شوند چه عمدی باشد و چه سهوا ترک شوند. و برخی گفته اند که مراد از سنت‌های نماز عبارتند از هر آنچه که جزو ارکان یا واجبات نماز نباشند.

سنت‌های نماز بسیارند؛ برخی از آنها قولی و برخی دیگر فعلی هستند، برخی از فقها سنت‌های قولی را نزدیک به هفده سنت و سنت‌های فعلی را تا پنجاه و پنج سنت شمرده اند. و اگر کسی یکی از این سنتها را ترک کند نمازش باطل نخواهد شد هرچند که عمدی باشد بر خلاف ارکان و واجبات نماز که اگر عمدا ترک شوند نماز باطل می شود. در اینجا به معرفی ارکان و واجبات و برخی از سنت‌های نماز می پردازیم:

اول: ارکان نماز که چهارده رکن هستند:

۱- قیام برای نمازهای فرض برای کسی که بر انجام آن توانا باشد.

۲- تکبیرة الإحرام، یعنی: گفتن الله أكبر در آغاز نماز.

۳- قرآئت فاتحه^۱.

۱- البته برخی از علما قرائت فاتحه را برای ماموم در هیچ رکعتی جایز نمی دانند و برخی دیگر گفته اند که قرائت آن در نمازهای جهری در دو رکعت اول برای ماموم صحیح نیست ولی رای راجح اینست که قرائت فاتحه در تمامی نمازها و رکعت‌های آن بر ماموم و امام واجب است، والله اعلم.

- ۴- رکوع، که حداقل آن انحای پشت به اندازه ای است که شخص بتواند با کف دستهایش زانوی خود را بگیرد، و اکمل آن حالتیست که کمر تماما کشیده شده و سرش را در راستای پشتش قرار دهد.
- ۵- برخاستن از رکوع.
- ۶- ایستاده در آمدن بعد از رکوع.
- ۷- سجده، که کاملترین حالت آن قرار دادن کامل اعضای وضو یعنی؛ پیشانی، بینی، دو کف دست، زانوهاش، و انگشتان پا در محل سجده است، و حداقل آن قرار گرفتن جزئی اعضای وضو بر محل سجده است.
- ۸- برخواستن از سجده .
- ۹- نشستن بین دو سجده، و سنت آنست که به حالت افتراش در بین دو سجده بنشیند.^۱
- ۱۰- آرامش و سکون در تمامی ارکان فعلی نماز.
- ۱۱- تشهد آخر .
- ۱۲- نشستن برای تشهد و سلام دادن.
- ۱۳- دو بار سلام دادن و گفتن: "السلام علیکم ورحمة الله" که در نماز سنت و جنازه گفتن یکبار آن کافیتست.
- ۱۴- ترتیب ارکان به صورت فوق، یعنی اگر کسی عمدا قبل از رکوع سجده ببرد نمازش باطل است و اگر سهوا باشد باید به محل رکوع بازگردد و رکوع نماید و از آنجا نمازش را ادامه دهد.

۱- از ابن عمر روایت است: «من سنة الصلاة أن تنصب القدم الیمنی، واستقباله بأصابعها القبلة، والجلوس علی الیسری» «نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ از سنتهای نماز است». نسایی (۲۳۶)

دوم: واجبات نماز که هشت مورد هستند:

- ۱- تمامی تکبیر گفتن‌ها در منتقل شدن بین ارکان.
- ۲- گفتن: "سمع الله لمن حمده" برای امام و منفرد.
- ۳- گفتن: ربنا ولك الحمد.
- ۴- گفتن: "سبحان ربي العظيم" حداقل یکبار در رکوع.
- ۵- گفتن: "سبحان ربي الأعلى" حداقل یکبار در سجده.
- ۶- گفتن دعای: "رب اغفر لي" بین دو سجده.
- ۷- تشهد اول.
- ۸- نشستن برای خواندن تشهد اول.

سوم: سنت‌های قولی نماز که یازده مورد هستند:

- ۱- دعای استفتاح^۱.
- ۲- استعاذه، یعنی: "أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم" قبل قرائت فاتحه و سوره در تمامی رکعتها.
- ۳- بسمله.

۱ - دعای استفتاح دعایی است که بعد از گفتن تکبیرة الحرام و قبل از قرائت فاتحه خوانده می‌شود، و الفاظ مختلفی دارد که مشهورترین آنها دعایی است که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده و گفته است: پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی در نماز تکبیر (احرام) می‌گفت قبل از خواندن فاتحه لحظه‌ای سکوت می‌کرد، گفتیم ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، در سکوتی که بین تکبیر و قرائت می‌کنی چه می‌گویی؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: می‌گویم: (اللهم باعد بیني وبين خطاياي كما باعدت بين المشرق والمغرب، اللهم نقني من خطاياي كما ينقى الثوب الأبيض من الدنس، اللهم اغسلني من خطاياي بالثلج والماء والبرد). «خداوندا! بین من و خطاهایم فاصله بیانداز همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختی، خداوندا! مرا از گناهانم پاک کن همچنانکه لباس سفید از چرک و آلودگی پاک می‌شود، خداوندا! مرا از خطاهایم با برف و آب و تگرگ بشوی.» متفق علیه

- ۴- گفتن آمین بعد از انتهای قرائت فاتحه.
- ۵- خواندن سوره ی بعد از فاتحه در رکعت اول و دوم.
- ۶- جهری خواندن قرائت فاتحه و سوره در دو رکعت اول نمازهای صبح و مغرب و عشاء توسط امام.
- ۷- گفتن "ملء السماوات، وملء الأرض، وملء ما شئت من شیء بعد" بعد از (ربنا و لک الحمد).
- ۸- سه بار خواندن تسبیح در رکوع.
- ۹- سه بار خواندن تسبیح در سجده.
- ۱۰- اضافه خواندن بر "رب اغفر لی" در جلوس بین دو سجده.
- ۱۱- صلوات در تشهد آخر بر آل بیت پیامبر صلی الله علیه وسلم و دعای بعد از آن.

چهارم: سنتهای فعلی یا هیئات نماز:

- ۱- بالا بردن دستها در هنگام تکبیره الاحرام آغازین نماز.
- ۲- بالا بردن دستها در هنگام رفتن به رکوع.
- ۳- بالا بردن دستها در هنگام برخاستن از رکوع.
- ۴- قرار دادن دست راست بر روی دست چپ.
- ۵- نگاه کردن به محل سجده.
- ۶- فاصله انداختن بین دو پا هنگام قیام.
- ۷- گرفتن زانوها با کف دستها هنگام رکوع.
- ۸- تمکین اعضای سجود بر زمین.
- ۹- فاصله انداختن بازوها از پهلو، و شکم از رانها، و رانها از ساق پا، و نوک انگشتان دست و پا رو به قبله، و چسپاندن پاشنه ی پاها به هم و بلند کردن آرنجها از زمین، و قرار دادن سر بین دو کف دست.

- ۱۰- افتراش^۱ در جلوس بین دو سجده، و در تشهد اول، و تورک^۲ در تشهد دوم.
- ۱۱- گذاشتن دستها بر روی رانها در جلوس بین دو سجده، و در تشهد علاوه بر آن باید تمام انگشتان دست راست را ببندد فقط انگشت اشاره را باز می‌کند.
- ۱۲- رو کردن به طرف راست و چپ هنگام سلام دادن.
- البته در برخی از موارد ذکر شده ی فوق مابین علما اختلاف وجود دارد، چنانکه فعلی نزد برخی واجب ولی نزد دیگری سنت است و بلعس، که در کتابهای فقهی مبسوط است.
- والله أعلم .

سوال: حکم انجام ندادن سجده‌ی سهو واجب چیست؟

الحمد لله،

اگر نماز گزار سجده‌ی سهوی که بر او واجب شده عمدا ترک کند، نمازش باطل می‌شود، همانطور که ترک عمدی یکی از واجبات نماز باعث ابطال آن است.

اما اگر فراموش کرد سجده‌ی سهو ببرد، چنانچه اندک زمانی بعد از سلام بیاد آورد باید آنرا بجای آورد، و اگر احیانا مدت زمانی طولانی تر بیاد آورد یا اصلا از مسجد خارج گشت، چیزی بر وی نیست و نمازش صحیح است.

از شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله سوال می‌شود: در باره ی مردی که فراموش می‌کند تشهد اول را در نماز خویش بخواند و او می‌داند که لازم است تا قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد، اما فراموش می‌کند و سلام می‌دهد حکم او چیست؟

ایشان جواب می‌دهند:

۱- نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ.

۲- دراز کشیدن پای چپ زیر پای راست و نهادن نشیمنگاه بر زمین، و نصب کردن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن.

"اگر بعد از زمان نزدیکی بیاد آورد پس سجده‌ی سهو خود را بجای آورد، اما اگر زمان طولانی گشت از وی ساقط می‌گردد، مثلاً اگر تا مدت زمانی طویل بیادش نیامد، اگر او از مسجد خارج گشته بود دیگر لازم نیست بازگردد و سجده‌ی سهو از وی ساقط می‌شود." "فتاوی‌ ابن عثمین" (۵۰/۱۴).

و اگر امام سجده‌ی سهو خویش را فراموش کرد، در آنصورت ماموم نبایستی خود تنهایی به سجده‌ی سهو برود، بلکه با سلام امام او نیز سلام می‌دهد و سپس به امام تذکر می‌دهد و امام به سجده‌ی سهو رفته و او نیز همراه وی سجده می‌برد.

والله أعلم

سوال: آیا سجده‌ی سهو در نماز سنت بمانند نماز فرض است؟

الحمد لله

سجده‌ی سهو در نوافل همانند نمازهای فرض مشروع است و عین هم هستند. و جمهور علمای قدیم و جدید بر آن هستند، و دلیل آن عمومیت فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که فرمود: «إِذَا نَسِيَ أَحَدَكُمْ فَلَيسْجِدْ سَجْدَتَيْنِ» هرگاه یکی از شما فراموش کرد پس دو سجده‌ی سهو ببرد. مسلم (۴۰۲) و همچنین برای آنکه نماز جبران شود و شیطان خوار گردد بدان نیاز است همانطور که در نماز فرض به آن نیاز است.

اما جماعتی از علما از جمله ابن سیرین و قتاده و عطاء و برخی از علمای شافعیه بر آن هستند که نماز سنت سجده‌ی سهو ندارد.

اما قول راجح، رای جمهور است.

چنانکه امام بخاری رحمه الله در صحیح خود بابی را با عنوان "سهو در نماز فرض و سنت" آورده است. و ابن عباس رضی الله عنهما بعد از نماز وتر خود دو سجده‌ی سهو بردند. حافظ ابن حجر رحمه الله در فتح الباری در مورد این اثر ابن عباس می‌گوید: ابن ابی شیبه آنرا با اسناد صحیح روایت کرده است.

و می دانیم که نماز وتر واجب نبوده و اینکه ابن عباس رضی الله عنهما در وتر خود سجده‌ی سهو برده دلیلی است بر اینکه سجده‌ی سهو هم در فرائض است و هم در نوافل. و شیخ ابن عثیمین می گوید: "سجده‌ی سهو دو سجده است که هم در نماز فرض و هم در سنت مادامیکه سهوی صورت گیرد مشروع است."! مجموع فتاوی ابن عثیمین (۶۸/۱۴)

البته سجده‌ی سهو در نمازی مشروع است که دارای رکوع و سجود باشد، بر این اساس نماز جنازه سجده‌ی سهو ندارد زیرا نمازی است که ذاتا دارای رکوع و سجده نیست. "شرح الممتع" (۳۳۸/۳)

نگاه کنید به کتاب "سجود السهو فی ضوء الکتاب والسنة المطهرة" تالیف: شیخ عبد الله الطیار.

سوال: محل سجده‌ی سهو کجاست؟

علما در مورد محل سجده‌ی سهو اختلاف دارند، و اختلاف آنها ناشی از احادیث مختلفی است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده است؛

- ۱- بعضی از علما گفته اند که محل آن همیشه قبل از سلام است.
- ۲- بعضی دیگر گفته اند که محل آن همیشه بعد از سلام است.
- ۳- و بعضی از علما محل سجده‌ی سهو را در سه مکان می دانند:
 - الف) اگر بدلیل زیادتی در نماز بود، محل سجده‌ی سهو بعد از سلام است.
 - ب) اگر بدلیل نقصی در نماز بود، محل آن قبل از سلام است.
 - ج) اگر بدلیل ایجاد شک در نماز بود؛ دو حالت دارد:
 - ۱- اگر نماز گزار یکی از دو امر مورد شک را ترجیح داد، محل سجده‌ی سهو بعد از سلام است.
 - ۲- اگر نماز گزار نتوانست یکی را ترجیح دهد و مبنا را بر یقین (یعنی کمترین حالت) قرار داد، محل سجده قبل از سلام است.

و در میان اقوال سه گانه‌ی فوق، قول اخیر ترجیح داده می‌شود.
 (منبع: فقه السنة للنساء ص ۲۰۲-۲۰۴ باختصار؛ للعلامة محمد بن صالح العثيمين رحمه الله
 تعالی)

سوال: اذکار سجدهی سهو و جلوس بین آنها چیست؟

سجدهی سهو بمانند سجدهی نماز صورت می‌گیرد و هیچ تفاوتی با هم ندارند و لذا
 بایستی بر هفت عضو بدن تکیه داده شود.

دلیل آن حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است که گفت پیامبر صلی الله علیه وسلم
 فرمود: «أمرت أن أسجد على سبعة أعظم: على الجبهة وأشار بيده على أنفه، واليدين، والركبتين
 وأطراف القدمين». بخاری (۸۱۲)، مسلم (۴۹۰)

یعنی: «به من امر شده است تا بر هفت عضو سجده برم، بر پیشانی و با دستش به بینی‌اش
 اشاره کرد، دو دست، دو زانو و سرپنجه‌های پاها».

و نیز از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:
 «لا صلاة لمن لا يصاب أنفه من الأرض ما يصيب جبينه» آلبانی در «صفة الصلاة» ص (۱۲۳) آورده
 است.

یعنی: «کسی که بینی‌اش همراه با پیشانی‌اش بر زمین قرار ندهد نمازش صحیح نیست».
 و اذکار سجده نیز بمانند ذکر سجده در نماز است، یعنی ذکر (سبحان ربی الأعلى) و در
 بین دو سجده (رب اغفر لی رب اغفر لی)، بنابراین همانطور که اهل علم گفته‌اند ذکر خاصی
 برای سجدهی سهو در سنت نبوی وارد نشده است.

امام نووی رحمه الله می‌گوید: "سجدهی سهو دو بار است که بین آنها نشستنی وجود
 دارد، و اذکار و اعضای سجده در آن بمانند سجدهی نماز است." "المجموع" (۷۲/۴)

البته برخی از علما گفته اند که مستحب است در سجده‌ی سهو گفته شود: "سُبْحَانَ مَنْ لَا يَتَأَمُّ وَلَا يَسْهُو". اما هیچ دلیلی برای اثبات این ذکر وجود ندارد چنانکه حافظ ابن حجر رحمه الله می گوید: "اصلی برای آن نیافتم". "التلخیص" (۱۲/۲)

سخن آخر

تا اینجا ترجمه‌ی این رساله‌ی کوتاه در مورد احکام سجده‌ی سهو به پایان رسید، از خداوند عزوجل در آنچه خوشنودی اوست توفیق می‌طلبم، و اینکه دانش در دین و ثبات و استقامت بر حق عنایت فرماید، براستی که او شنوای اجابت‌کننده است. و از شما خواننده عزیز آرزوی دعای خیر داریم.

و صلی الله و سلم و بارک علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه اجمعین.

منابع دیگری که جهت تکمیل این رساله ترجمه و بکار برده شده‌اند:

۱- فقه السنة للنساء؛ تالیف: شیخ محمد بن صالح العثیمین.

۲- مجموع الفتاوی شیخ محمد بن صالح العثیمین.

۳- صحیح فقه السنة وأدلته؛ ابومالک کمال بن السید سالم

۴- سایت عربی الإسلام سوال جواب، متعلق به: محمد صالح المنجد. (IslamQA.Com)